

جایگاه آدمی در قرآن و مقایسه با جایگاه او در لیبرالیسم .

۱- در قرآن چنین آمده . ما آدمی را کرامت دادیم . جای دیگر میگوید

بردم انسان منوع ، جزوع ، ظلوم ، جهول و هلوع است . در احسن تقویم آوردیم و بعد به اسفل سافلین

اگر خیر برسد منوع است برای خودش اگر گرفتار حادثه شود بی تاب است مگر مصلین که خود را ساخته اند . نزد خدا اتقاکم فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا شر و خیر را الهام کردیم . ما از دیو و فرشته هستیم اما بیشتر به دیو تمایل داریم و با زحمت زیاد باید از دیو خود را رها کنیم . خدا هم جهد فراوان کرد و پیامبران فرستاد عقل در آدمی نهاد اما میبینیم که آدم در راه درست نیست . چرا؟

2- دمکراسی غرب .

در لیبرالیسم گفتند که آدمی نیک سرشت است و نیکوست و پاک زاده میشود اگر منحرف میشود استثناست . کانت فیلسوف لیبرال میگوید از چوب بشریت یک عصای راست نمیشود درست کرد . این موجود اصلا کج است

هابز ، گفت آدمی گرگ آدمی است یعنی همدگر را می درند اگر نیک سرشت بودند آن وقت گرگ نبودند . تاریخ با برادر کشی آغاز شد . هابیل قابیل را کشت . تاریخ پرونده بشریت است جنگها بیشتر از صلح بوده است

شما این سخن قرآن را در مواجهه با مکتب لیبرالیسم و دمکراسی چگونه میبینید . راه درست را قرآن چگونه از میان مکتب لیبرالیسم عبور میدهد . مولانا هم با قدرت پاسخ را دارد .